

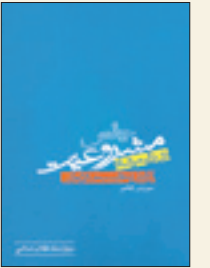
## پیش‌خوان

## بازخوانی تحلیل‌ی از اعدام حاجعلی رزم آرا و حسنعلی منصور

بازخوانشی تحلیلی از اعدام حاجعلی رزم آرا و حسنعلی منصور

## چالش عدم مشروعیت زمینه ساز اقدام ملت!

■ محمدرضا کائینی



است. اثر پژوهشی «چالش مشروعیت در رژیم شاه و قتل نخست‌وزیران» توسط سرویس فیضی به نگارش درآمده و مرکز اسناد انقلاب اسلامی نیز آن را روانه بازار کتب ساخته‌است. مؤلف در دیباچه این تحقیق، نکات ذیل آمده را مورد توجه قرار داده است:

«در دوران رزم آرا، شرایط سیاسی خاصی بر کشور حکمفرما بود. ویژگی‌های اصلی این دوره عبارت‌تند از: کم‌تجربگی و ضعف شخصی شاه، به لحاظ جوانی و سال‌های اولیه سلطنتش، فعالیت گسترده سفارتخانه‌های خارجی و عواملشان در عرصه سیاست ایران که به دنبال یک دوره حضورشان در اشغال کشور شکل گرفته بود و بالاخره آزادی نسبی که به دنبال خلغ رضاشاه فراهم آمده و فرصت بسیار خوبی را برای فعالیت سیاسی گروه‌های مخالف رژیم پدید آورده بود. چالش‌های مشروعیت در این دوره، به دنبال مبارزات مربوط به ملی شدن صنعت نفت صورت گرفت و رادیکالیزه شدن گروه‌های سیاسی- مذهبی نیز در چارچوب توانایی آنها برای انجام اقدامات مسلحانه علیه رژیم مطرح بود. دوره نخست‌وزیری منصور نیز به لحاظ سیاسی، دوره‌ای خاص و متمایز بود که در پی اوج گرفتن قدرت شاه پس از کودتای ۲۸ مرداد۱۳۳۲ و گذاروی از سلطنت به حکومت شکل می‌گرفت. شاه در این سال‌ها به دنبال کنل زدن زاهدی و ترور کندی، رئیس‌جمهور سال‌های ۶۳-۱۹۶۰ آمریکا که قدرت شاه را به‌شدت محدود کرده بود، چندنان مخالفی-چه در خارج و



حسنعلی منصور، در کنار پان‌دین جوان منصور

چه در داخل- در قدرت‌نمایی‌های خود نمی‌دید و تا حدودی احساس استقلال می‌کرد. در واقع این توانایی شاه که مصادف با افزایش توان سرکوب نیروهای رژیم‌زیمی بود، فعالیت‌های سیاسی را بر خلاف دوره رزم آرا، به شدت محدود کرد. با این حال، چالش‌های مشروعیتی متعددی در این دوره در پی مخالفت‌های رادیکالیزه‌شدن گروه‌های سیاسی- مذهبی نیز در چارچوب قابلیت‌های هیئت‌های مؤتلفه اسلامی برای حذف عناصر بیگانه پرست بود. پژوهش حاضر، شامل فصل است. در فصل اول، ترور نخست‌وزیران مورد بحث در چارچوب بحث‌های نظری مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این فصل، مقوله مشروعیت و پیامدهای چالش آن از سوی گروه‌های مخالف بررسی و تلاش می‌شود تا مشکلات رژیم پهلوی در این حوزه بر اساس دیدگاه‌های مختلف مطرح شده، نقد و ارزیابی شود. در گفتاری دیگر از این فصل، مسئله رادیکالیزه شدن گروه‌های مذهبی مورد بحث قرار می‌گیرد. تعریف ترور، رویکردهای جامعه‌شناختی و فقهی آن و تفکر رزم آرا بر گروه‌های مذهبی در این ارتباط، از دیگر مسائل مورد بحث در این فصل است. فصل دوم به رزم آرا و مسائل مربوط به ترور وی اختصاص دارد. در این فصل، پس از بررسی دوران نظامی گری و سیاسی وی، به مهم‌ترین مسائل سیاسی داخلی و خارجی آن دوران پرداخته می‌شود. سیاست خارجی کشور در آن دوره، نفوذ نیروهای بیگانه، مسئله نفت و اهمیت سیاسی گروه رزم آرا و پیامدهای آن از مهم‌ترین مسائل مورد بحث در این فصل خواهد بود. در فصل سوم که به منصور و مسائل مربوط به ترور وی اختصاص دارد نیز مسائلی مشابه فصل قبل مورد بحث قرار می‌گیرد. بررسی اوضاع و احوال سیاسی کشور، نفوذ کشورهای خارجی، اهمیت منطقه و ایران در این دوره از جنگ سرد، حضور نیروهای امریکادر ایران و بالاخره مسئله کاپیتولاسیون از مهم‌ترین مباحثی است که در این فصل مورد بررسی قرار خواهد گرفت. داستان ترور منصور، اهمیت و پیامدهای آن گفتارهای پایانی بحث این پژوهش را تشکیل می‌دهند.»

■ **احمد رضا صدری**

روزهایی که بر ما می‌گذرد، تداعی گر سالار روز ترور سپهپید حاجعلی رزم آراست که راه را بر ملی شدن نفت ایران گشود و همه گروه‌های سیاسی و مبارز نیز بر آن صحنه گذار دنداراز شکل‌گیری این اجماع از سوی جمله گروه‌های ملی و مذهبی را باید در مواضع رزم آرا در قرا یند این نهضت عمومی جست‌وجو کرد؛ امری که تمامی نیروهای موجود را نسبت به او عصبانی و دارای موضع منفی نمود. در مقال بی آمده و با استناد به پاره‌ای از تحلیل‌ها تلاش شده است تا مواضع رزم آرا در آن مقطع خطیر، مورد بازخوانی قرار گیرد. مستندات این نوشتار بر تازنمای پژوهشکده تاریخ معاصر ایران وجود دارد. امید آنکه محققان و عموم علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.

■ ■ ■

■ **بی‌اعتنایی به سمت و سوی اراده عمومی!**

همانگونه که اشارت رفت، افکار عمومی در دوران نهضت ملی ایران، سپهبد حاجعلی رزم آرا در زمره مدافعان اصلی اردوگاه انگلستان و به منابه مانعی بر راه بازگشت ثروت خدادادی نفت به مردم ایران قلمداد می‌کرد. این تلقی اما از شرایط سیاسی وی در آن دوره نشئت می‌گرفت. شرایطی که محمدرضا چیت‌سازبان پژوهشگر تاریخ معاصر ایران به شرح ذیل آمده به تبیین آن نشسته است: «یکی از مسائلی که در دنیای سیاست از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است، نحوه برخورد سیاستمداران با مسائل راهبردی و مهم است، مسائلی که بعضاً با سرنوشت یک ملت گره خورده و اثرات و تبعات تصمیم‌گیری در چنین زمینه‌هایی بسیار طولانی مدت و دیرپاست. به عنوان مثال رویکرد یک سیاستمدار به جهان خارج، نحوه تعاملش با قدرت‌های خارجی و نوع نگاهش در حل چالش‌ها و بحران‌های داخلی و بین‌المللی از جمله این موارد است که می‌تواند اثرات بسیار عمیقی به همراه داشته باشد. این موضوع به خصوص در کشورهای در حال توسعه، در ابعاد و اندازه‌های بسیار وسیع‌تری مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. به هرچه داشته باشند، این کشورها در حال توسعه، در ابعاد و اندازه‌های بسیار وسیع‌تری مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. به آزادی و استقلال مبارزه کرده و در این مسیر تحولات پر فراز و نشیبی را پشت سر گذاشته‌اند و مبارزه با استعمار، به بخشی از حافظه جمعی مردم این کشورها تبدیل شده است. یکی از کشورهای دیگر به تجربه اینچنینی داشته، ایران است. کشوری که در طول تاریخ خود، به‌خصوص تاریخ معاصر با حوادث بسیاری دست و پنجه نرم کرده و در راه رسیدن به استقلال، هزینه‌های بسیاری داده است. در این میان سیاستمداران با انتخاب مواضع گوناگون، گاه به دلیل اختلاف نظر و گاه به دلیل منافع متضاد، رویکردهای متفاوتی نسبت به یک موضوع در پیش گرفته‌اند. برخی آرم‌گران لقب گرفته و برخی دیگر خود را واقع‌گرا پنداشته‌اند.

در این بین یکی از سیاست‌ورزان تاریخ معاصر که حرف و حدیث بسیاری پیرامون او شکل گرفته است، حاجعلی رزم آراست. سیاستمدار دوره پهلوی دوم که به‌خصوص در دوران نهضت ملی شدن صنعت نفت، به دلیل مواضع متفاوتش، اسسش سر زبان‌ها افتاد. مثنی سیاسی حاجعلی رزم آرا در دوران منتهی به ملی شدن صنعت نفت، بدون در نظر گرفتن خواست‌ها اراده عمومی و با

## عاریخ

تاریخ: ۸۸۴۹۸۴۳۷



حاجعلی رزم آرا در کنار فضل‌الله زاهدی، در بازدید از رژه نظامیان در جلایبه تهران

حاجعلی رزم آرا، نهضت ملی ایران و اعدامی که راهگشا شد!

# نخست‌وزیری ملت ایران

# به نیابت از انگلستان!

توجه به امیال و منافع شخصی وی بود، منافی که در نهایت به قیمت از دست دادن جانش تمام شد! این در حالی بود که شاه نیز از قدرت گرفتن رزم آرا، چندان دل خوشی نداشت و آن را رقیبی سیاسی تلقی می‌نمود که در صورت مهیا شدن شرایط، قصد سرنگونی سلطنتش را دارد. در روز ۱۶ اسفند سال ۱۳۲۹ش بود که رزم آرا برای شرکت در مجلس ختم آیت‌الله فیض به مسجد شاه رفت و آنجا به ضرب چند گلوله کشته شد! این حادثه شدن رزم آرا، حرف و حدیث‌های بسیاری وجود داشته است. برخی ترس محمدرضا پهلوی از قدرت‌گیری رزم آرا را در فراهم شدن زمینه اعدام انقلابی او مؤثر دانسته و گفته‌اند شاه بیم آن داشت که رزم آرا بخواهد سلطنت وی را سرنگون و خود قدرت را به دست گیرد! بنابراین زمینه برای این اقدام انقلابی طهماسبی فراهم شد. در حال این اعدام انقلابی، توسط خلیل طهماسبی از اعضای فدائیان اسلام انجام شد. در پی کشته شدن رزم آرا، خلیل طهماسبی دستگیر شد و مسئولیت قتل رزم آرا را پذیرفت، هر چند پس از گذراندن قانونی در مجلس، در جهت عفو قاتل رزم آرا از زندان آزاد شد. سرانجام فردای روز قتل رزم آرا، کمیسوین



سپهبد حاجعلی رزم آرا

## «

**پرسش بنیادین این است که شاه به رغم بدبینی به رزم آرا از چه روی به نخست‌وزیری وی رضایت داد؟ به ویژه که عده‌ای به این موضوع اعتقاد قطعی دارند که او در ترور پهلوی دوم در بهمن ۱۳۲۷، دست داشته است؟ ابتدا بی‌ترین پاسخ به این پرسش آن است که شاه به دلیل وابستگی ناگزیر به سیاست انگلستان، وادار به پذیرش و تحمل رزم آرا شد! چه اینکه این نظامی کار کشته، طی سالیان طولانی توانسته بود توطئه انگلیسی‌ها را با خویش جلب کند!**

نفت پیشنهاد ملی کردن صنعت نفت را به تصویب رساند. این پیشنهاد ابتدا توسط مجلس شورای ملی و در نهایت در روز ۲۹ اسفند همان سال، توسط مجلس سنا به تصویب رسید…».

■ **رزم آرا و ماجرای ترور پهلوی دوم**

آیا حاجعلی رزم آرا در ترور شاه دخالت داشت؟ این پرسشی است که تاریخ‌پژوهان معاصر، بارها مطرح ساخته و هر یک، به فراخور اسناد موجود و گرایش بخشی بدان پاسخ گفته‌اند. بی‌تردید بخشی از بدبینی پهلوی دوم و حامیانش به رزم آرا به تلقی آنان از این موضوع بازمی‌گردد. چه اینکه بسا آنان بر این باورند که وی درصدد کودتا علیه شاه بوده است! آمن صافقی، پژوهشگر تاریخ معاصر ایران در این باره آورده است:

«در بهمن ماه ۱۳۲۷، شرایط سیاسی کشور در آن زمان به گونه‌ای بود که بخش مهمی از دولت، نمایندگان مجلس و نیروهای نظامی و انتظامی، وابسته به رزم آرا بودند و بعد از شاه، او در سیاست کشور تأثیرگذار بود و اگر شاه کشته می‌شد، بدون شک زمام امور کشور را در اختیار می‌گرفت. رزم آرا فردی باهوش و مکار، پرست و موعود و مؤید قدرت یافتن رزم آرا و ترس از شبیه کودتا بود. این احزاب مختلف ارتباط برقرار می‌کرد که از جمله این احزاب، حزب توده بود. نورالدین کیانوری از رهبران حزب توده هم به‌صورت مستقیم و هم به‌صورت غیر مستقیم، از طریق هم‌حزبی‌اش خسرو روزه با رزم آرا در ارتباط بود. حزب توده در ۱۴ بهمن هر سال، مراسم یادبود دکتر تقی ارانی را برگزار می‌کرد که این بار به پیشنهاد کیانوری، این مراسم به روز ۱۵ بهمن یعنی همان روز ترور شاه موکول شد. ضمن اینکه رزم آرا در همین روز به تمامی پادگان‌های نظامی پایتخت دستور آماده‌باش داده بود. هر چند آنچه گفته شد، مؤید ارتباط رزم آرا با حزب توده، در مورد موضوع ترور بود، اما فریودن کشاورز از اعضای حزب توده که بعداً از این حزب جدا شد، ادعا می‌کند که کمیته مرکز وی، هیئت اجراییه و دبیر کل حزب توده از ماجرای ترور شاه کاملاً بی‌خبر بوده‌اند و کمیته‌ای به‌نام کمیته ترور که به‌صورت مخفی در حزب توده فعالیت می‌کرد و کامبخش و کیانوری آن را اداره می‌کردند با ترور شاه ارتباط داشت. ضمن اینکه این کمیته قبلاً ترور‌رهایی را انجام داده بود، از جمله ترور دو روزنامه‌نگار به‌نام‌های محمد مسعود و احمد دهقان. همچنین کیانوری از طریق یکی از اعضای حزب توده به‌نام ارکانی، از چند ماه قبل از ترور شاه با فخر آرایسی در ارتباط بود. همزمان با ترور شاه به علت اینکه فرقه دموکرات آذربایجان شکست خورده و حزب توده دچار اشعاب شده بود، آنتنان حزب توده قدرتمند نبود تا بعد از ترور شاه بتواند قدرت را در دست بگیرد، اما رزم آرا به این علت که قسمت اعظم ارتش را در اختیار داشت، تنها کسی بود که می‌توانست از ترور شاه بیشترین استفاده را بکند! در واقع رزم آرا به عنوان عامل انگلستان پشت پرده حادثه ترور قرار داشت و حزب توده به عنوان عامل شوروی هم از عوامل ترور اعلام شد. رزم آرا یا همکاری حزب توده، مجری سیاست‌های انگلیس و شوروی بودند، چراکه منافع و اهدافشان در ایران همسو شده بود. از عواملی که رد پای انگلستان و رزم آرا را در ترور شاه پررنگ‌تر می‌کند، این نکته است که دختر غلام سفارت انگلیس، دوست و معشوقه فخر آرای بود که به عنوان متهم زندانی

## د

**بی‌تردید آنان که در جریان وقایع سیاسی دوران نهضت ملی ایران قرار داشتند، به ویژه کسانی که علایق و گرایشات عمومی را می‌شناختند، می‌دانستند که در جبین نخست‌وزیری حاجعلی رزم آرا نوری قابل مشاهده نیست و او در برابر اراده عمومی مردم، راهی جز تسلیم ندادا هر چند او به دلیل برخورداری از روحیه نظامی و از این رو حیه نظامی به این تسلیم تن در نداد و از این‌رو بی‌دست شهید استاد خلیل طهماسبی از اعضای جمعیت فدائیان اسلام در مراسم ترحیم آیت‌الله فیض در مسجد سپهسالار تهران اعدام شد! زهراسعدی در باب ریشه‌های این واکنش ملی می‌نویسد:**

■ **و نهایتاً ناکامی رزم آرا، در مقابله با ملی شدن نفت ایران**

بی‌تردید آنان که در جریان وقایع سیاسی دوران نهضت ملی ایران قرار داشتند، به ویژه کسانی که علایق و گرایشات عمومی را می‌شناختند، می‌دانستند که در جبین نخست‌وزیری حاجعلی رزم آرا نوری قابل مشاهده نیست و او در برابر اراده عمومی مردم، راهی جز تسلیم ندادا هر چند او به دلیل برخورداری از روحیه نظامی به این تسلیم تن در نداد و از این روی به دست شهید استاد خلیل طهماسبی از اعضای جمعیت فدائیان اسلام در مراسم ترحیم آیت‌الله فیض در مسجد سپهسالار تهران اعدام شد! زهراسعدی در باب ریشه‌های این واکنش ملی می‌نویسد:

«دکتر مصدق در راستای سیاست‌های منتهی به ملی شدن نفت، با امضای قرارداد الحاقی گس – گلشائیان هم به مخالفت جدی پرداخت و در نهایت این قرارداد با مخالفت نمایندگان مجلس از تصویب بازماند. در این شرایط شاه که به پشتوانه سیاسی انگلیس و امریکا تکیه‌مندی بود، سیاست به قدرت رسیدن شخصیت‌های نزدیک به دربار را به کار بست تا از این طریق به اهداف خود برسد. بنابراین وقتی مبارزات ضداستعماری مردم در زمان نخست‌وزیری

حکیمی، هژبر و ساعد گسترش یافت، انگلیس و محمدرضا پهلوی برای مسدود ساختن این مبارزه به مقابله برخاستند. مسئله تغییر قانون اساسی در جهت تحکیم قدرت شاه، با تشکیل مجلس مؤسسان، تشکیل مجلس سنا، تقویت

سپهبد رزم آرا در ستاد ارتش، ایجاد حدود ۱۵ بهمن ۱۳۲۷، تعطیلی مطبوعات، محدودیت احزاب و تبعید آیت‌الله کاشانی از آن جهت پیش آمد که مبارزه ضداستعماری ملت ایران متوقف گردد. توقف این مبارزات از یک سو به نفع انگلیس بود و از سویی به سود شاه، زیرا مبارزات ضداستعماری بر کاهش قدرت شاه و افزایش قدرت مردمی تأثیر مستقیم داشت. از این‌رو شاهد هستیم که در جریان نخست‌وزیری رزم آرا، شاه تمام قدرت خود را به کار بست تا موجبات روی کار آمدن او را فراهم سازد. شاه در حالی رزم آرا رئیس ستاد ارتش را به نخست‌وزیری تعیین کرد که میانه خوبی با او نداشت. با این حال، این انتخاب از جهات گوناگونی زیرکانه بود. رزم آرا به عنوان یک سپهبد جاه‌طلب و عملگرا، آمده بود که این پیشنهاد – تجدیدنظر در قرارداد ۱۹۳۳ – را حتی به قیمت جانش از تصویب مجلس بگذراند! در حالی که جبهه ملی این پیشنهاد را برابر با فروش کشور می‌دانست و خواستار ملی کردن نفت بود. با این حال انتظار می‌رفت که او به عنوان افسری خودخواه ولی مستقل، موج نفرت عمومی را از دربار، به سوی خود و کابینه‌اش برگرداند. رزم آرا مستنقد پیشین دربار، در سال‌های اخیر که برای حفظ ارتش در برابر قوام و گرفتن تجهیزات مدرن از امریکا با شاه همکاری می‌کرد، به وی نزدیک‌تر شده بود. شاه امیدوار بود بتواند از طریق رزم آرا مانع از تصویب لایحه ملی شدن نفت نیز گردد. البته تصور او در مورد رزم آرا چندان اشتباه و نادرست نبود، چراکه رزم آرا بعد از گذشت مدتی از دوره نخست‌وزیری خود در یکی از جلسات مجلس اظهار کرد ملی کردن نفت غیر عملی و غیرقانونی است!... اظهاراتی که با سر و صدای زیادی روبرو و باعث شد در ارتش نیز حرکت مخالفی ضد او آغاز گردد. شاه بعد از ملی شدن نفت نیز درصدد برآمد با پیدا کردن راه‌حلی مناسب، رضایت انگلیس را نسبت به این موضوع جلب نماید! چنان‌که انتخاب قوام در تیرماه ۱۳۳۱ را می‌توان در این مسیر توجه‌ها کرد، چراکه بسیاری او را در آن سال‌ها چهره‌ای متمایل به انگلیس قلمداد می‌کردند. گذشته از این موارد رویکرد شاه بعد از کودتای ۲۸ مرداد نیز به خوبی مبین دیدگاه منفی سیاسی او نسبت به مصدق و موضوع ملی شدن نفت است. بعد از کودتای ۲۸ مرداد، شاه با اعلام سیاست ناسیونالیسم مثبت، روابط خود با انگلیس را تجدید کرد و روابط دوستانه‌ای را در پیش گرفت. دولت زاهدی در این رابطه اعلام کرد دولتین ایران و انگلیس، تصمیم گرفته‌اند تا روابط سیاسی را برقرار سازند و هر یک به زودی، سفیر کبیر به کشور دیگر اعزام دارند، سپس در نزدیک‌ترین موقعی که مورد موافقت طرفین باشد، در باب اختلافات مربوط به نفت که اخیراً موجب تیرگی روابط بین آنها شده، شروع به مذاکره نمایند…».